

## تفکر و تدبیر

معروف است بین مردم افرادی هستند که وجود و نظرشان کیمیاست . بعقیده من اینعده همانهایی هستند که توانستند عقل و هوش خود را بکار برده بر قواء نفسانی و امیال شهوانی غالب آیند تا بحقیقت انسان باشند ، آنانی هستند که خداوند در سوره عصر جز اینعده همه را زیانکار قلمداد فرموده ، کسانی میباشند که در قرآن وارث بهشت سعادت شناخته شدند و هیچگاه زبون و ذلیل نبوده همواره در فتن سعادت و خوشبختی شان در اهتزاز و آواز آقائی و سیادتشان در تمام کشورهای متمدن جهان بر فراز است .

حضرت رسول فرمود العلم خلیل المؤمن والحلم وزیره والعقل دلیلہ مؤمن کسی است که دانش دوست او و بردباری و دوری از خشم کمک او و عقل راهنمای وی باشد . ما مردم با داشتن دستورات متین اسلام آنگونه از ستودها دور و بنایسندها آلوده و مغرور هستیم

خود آمده فرو ببرد؟! آنجائیکه برای تحقق بستن هوس پلید و سرکش خود بزنگی شرافتمندانۀ يك خانواده اصیل و نجیب میخواهد برای همیشه خاتمه بدهد؟! در این مرحله است که ندای وجدان در صحنۀ دل بظهور میرسد و باشیخون عادلانه خود او را متوجه قدرت ذی شعور فوق سرش مینماید چه بیچاره است کسیکه از ندای وجدان غافل بوده و کاخ آمال خود را از خون دل مستمندان بنا میسازد!! ولی دیری نپائیده که نتیجۀ عدالت کاخ آرزویش را فرو میریزد . رسیدن بآئید و زندگی فقط برای خوردن و خوابیدن نیست . منظور از زندگی آن نیست که هر صاحب قدرت و وجدان و شرافت خود را تحت الشعاع مادۀ بی ارزش قرار دهد برای اینکه بخواهد حق ذیحقی را پایمال نموده و قدرت خویش را اعلام کند!! منظور از زندگی آن نیست که دور از اصلی مسلم و اساسی برای خود هر لحظه رنگی اختیار نموده و در برابر بادهای حوادث چون ییدی بهر طرف بجنبند!! بلکه باید معتقد باشد که مبنای اصلی و لایتغیر زندگی هر کس وجدان اوست . زیرا کسیکه وجدان داشت متقی است . خدمتگزار بی ریاست ، سودای از خود گذشتگی بهمنوع را در سر میپروراند تصدیق میکنید زندگی در اینصورت جلای بیشتری بخود میگیرد و مدارج کمال مطلوب را میپیماید .

که گویا هیچگاه این دستورات برای ما نبوده اسلام دین و دستوراتش آئین ما نیست باری  
تا اینجا (یعنی با توجه به گفتار پیش) بطور اجمال معنی تفکر از نظر اهل لغت و اهل کلام و  
حکمت و اهل عرفان بیان شد اما از نظر قرآن و پیشوایان شیعه تفکر بمعنائی است که  
جامع همه معانی مورد نظر اهل علوم مزبور میباشد در قرآن مجید آیات ۲۱۷ و ۲۶۸ سوره  
بقره و ۱۱ و ۱۳۱ و ۱۸۸ سوره آل عمران و ۱۱ و ۵۰ سوره انعام و ۱۷۵ و ۱۸۳ و  
۱۸۴ سوره اعراف و ۲۴ و ۷۳ و ۱۰۱ سوره یونس و ۱۰۹ و ۱۱۱ سوره یوسف و ۳  
سوره رعد و ۱۱ و ۳۸ و ۴۶ و ۷۱ سوره نحل و ۱۹ سوره عنکبوت و ۷ و ۸ و ۲۰  
۴۱ و ۴۹ سوره روم و ۲۲ و ۸۲ سوره مؤمن و ۵۳ سوره فصلت و ۱۲ سوره جاثیه و  
۱۱ سوره محمد و ۲۱ سوره حشر بلفظ نظر و تفکر و آیات زیادی هم غیر از آنچه که  
فوقاً بیان شد بالفاظ و مواد تذکر و تذکره و تبصر و تبصره و تعقل و ایقان وارد شده و مشعر  
بر تشویق مردم بتفکر و تکدیر آنان از نیندیشدن است .

حضرت امیر علیه السلام میفرماید التفکر ید عوالی البر والعمل به ، در کارها اندیشیدن  
و باندیشه بکار پرداختن انسان را به نیکی و نیک کرداری و امیدارد. میگویند بلز پاسگال  
فیلسوف فرانسه که در قرن هفدهم میلادی میزیست روزی هنگام عبور از روی پل نویسی  
اسبهای درشکه اش بطرف معبر خطرناکی تاخت برداشتند و چیزی نمانده بود که پاسگال  
را بقعر دره پرت کنند ولی بطور تصادف و با وجود همه موجبات سقوط پاسگال از خطر  
مرگ نجات یافت و این حادثه سبب شد که پاسگال از آن پس بخدای یگانه روی آورد  
و بقیه عمر را بعنوان یک کفر زاهد و پارسا بسر برد مشکلات علم انسانی و مطالعات فلسفی

این تغییر روش از یک دانشمند ریاضی و طبیعی که بایک حادثه پدید آمد جز بر اثر  
اندیشه و تفکر او نبوده که با همی بودن تمام وسائل و اسباب مرگ کدام اراده توانست سببها  
را خنثی کند و او را از مرگ حتمی نجات دهد؟ از سبب سوزش من سودائیم. و ز سبب سازش  
سوفسطائیم. اگر در جهان اراده قویتری که سر آمد همه اراده ها و قدرتهاست نبود بمقتضای  
قانون طبیعی با فرام بودن اسباب تامه مرگ، باید در همان حال بحیات پاسگال خاتمه داده شود  
خداست که با وزندگی دوباره بخشید و نیک اندیشیدن وی بوده که او را بخدا نزدیک ساخت.  
حضرت صادق فرمود افضل العبادۃ ادمان التفکر فی الله و فی قدرته با فضیلت ترین  
عبادت ادامه تفکر در آفرینش پروردگار و عجائب صنعتها و توانائی او است بنا بر موده حضرت

رضا عليه السلام ليس العبادة كثرة الصلوة والصوم انما العبادة التفكير في امر الله عز وجل عبادت منحصر بزباد نماز گذاشتن وروزه گرفتن نیست بلکه عبادت کامل (یا کاملترین عبادت) تفکر در کار و قدرت و اراده خداوند میباشد (که کارش از هر کاری محکمتر و قدرتش بر همه قدرتها افزونتر و اراده اش بر تمام اراده ها قویتر است) مردی بنام حسن صیقل میگوید از حضرت صادق عليه السلام پرسش کردم آیا یک ساعت فکر نیک از یک شب عبادت بهتر است؟ آنحضرت پاسخ فرمود آری رسول اکرم فرموده است که یک ساعت نیک اندیشیدن از یک شب عبادت بهتر است و نیز از حضرت رسول نقل شده که یک ساعت فکر از یکسال عبادت برتری دارد ممکن است کسی بگوید که چه بسا ساعاتی فکر در مورد معشوقه های زیبا و خواندن و تفکر در قصه ها و افسانه های شهوت انگیز صرف میشود یا در بودن مال اشخاص و هتک نوامیس مردم و کلاه گذاری یا کلاه برداری و قتلها میگذرد آیا میتوان باین قبیل تخیلات شیطانی و هوسهای نفسانی نام (تفکر) نامید؟ هیچ. این پرسش با توجه بمقالات گذشته ما منفی است زیرا فکر آنست که بحقیقت مقرون بوده از خدا و فرمان عقل بیرون نباشد.

(تدبر) بحسب لغت اندیشه در فرجام و مآل کار است و از این نظر که در مفهوم تدبر نهایت و غایت معتبر میباشد گاهی بمعنی نتیجه تفکر نیز آمده چنانکه در آیه ۲۶ سوره ۴۷ میفرماید افلا يتدبرون القرآن ان علی قلوب افعالها ایمان حقیقت قرآن را نمی شناسند بلکه بر دلهاشان قفلها خورده که فهم حقایق قرآن را ندارند یعنی منکرین اسلام قوه فکر را بطور کامل که موجب آگاهی و بینائی آنان میشود بکار نمی برند تا ب نتیجه بینائی که شناسائی حق است برسند بلکه چنان در انکار و عناد اصرار میورزند که بسوء اختیارشان چراغ فکر را در وجود خویش خاموش کرده قفلهای کفر و عناد را بر دلهاشان زده اند بنحویکه گویا هیچگاه دارای قوه هوش و خرد نبوده اند تا حقایق قرآن را فهم کنند.

(فرق تفکر و تدبر) تفکر و تدبر هر دو تصرف در باطن است النهایه تفکر آنست که با توجه بدلائل در باطن تصرف میشود ولی در تدبر با نظر در عواقب و فرجام امور دل و باطن انسانی مورد تصرف قرار میگیرد.

چون بیش از این ایجاد مزید ملالات میکرد کوتاه کرده خاتمه دادیم.

محمد علی انشائی